**جلسه 106**

**‌‌شنبه - 23/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

صاحب عروه در مسئله 6 گفت: وقت نافلة الصبح بین فجر الاول و طلوع الحمرة المشرقیة. وقت نافله صبح از فجر کاذب هست تا طلوع حمره مشرقیه.

فجر کاذب در روایات ذکر نشده؛ صاحب عروه از کجا فجر کاذب را استفاده کرده معلوم نیست. بهرحال در ادامه فرمود که بله، جایز است ادخال نافله صبح در نماز شب و لو در ابتداء شب.

مرحوم آقای خوئی فرمودند این جمله اخیره قابل قبول است. روایاتی داریم که فرمود که نماز نافله صبح را داخل کنید در نماز شب. صحیحه بزنطی هست: احش بهما صلاة اللیل و صلهما قبل الفجر. در صحیحه زرارة هست: انهما من صلاة اللیل ثلاث‌عشر رکعة صلاة اللیل. در این بحثی نیست. اما اگر همراه نماز شب خوانده نشود ایشان فرموده که ما یا باید نافله فجر را بعد از طلوع فجر بخوانیم یا قبیل طلوع فجر بخوانیم و الا صدق نافله فجر نمی‌کند؛ یعنی می‌‌شود نافله شب.

بعد ایشان فرموده مؤید مطلب ما روایت محمد بن مسلم هست که سندش احمد بن حمزة بن بیض هست، ‌بخاطر این شخص سندش ضعیف شده ولی متنش این است: سألت اباجعفر علیه السلام عن اول وقت رکعتی الفجر قال سدس اللیل الباقی، یک ششم آخر شب. آقای خوئی فرموده انتهاء شب با طلوع خورشید است، اگر شب دوازده ساعت باشد، ‌یک ششمش می‌‌شود دو ساعت، یک ساعت و ربع الی یک ساعت و نیم ما بین الطلوعین است، ‌بقیه دو ساعت می‌‌شود قبل از طلوع فجر. یعنی حدودا سه و ربع الی نیم ساعت قبل از اذان صبح می‌‌شود نافله فجر را خواند مگر این‌که همراه با نماز شب خوانده بشود که او وقتش موسع است.

این روایت که انصافا حالا قطع نظر از ضعف سند، ‌ظاهرش یک ششم شب است تا طلوع فجر نه تا طلوع شمس و لو ما انتهاء شب را با طلوع شمس بدانیم ولی نوافل و فرائض که توزیع شدند بر شب و روزی که حدش طلوع فجر است، دیگه این را که نمی‌شود انکار کرد. حالا شما در بحث‌های دیگر تامل دارید در این‌که طلوع شمس آخر شب است یا طلوع فجر، استظهار می‌‌کنید که طلوع شمس آخر شب باشد، خلافا للمشهور، اما دیگه راجع به نوافل شب و روز که صحبت می‌‌کنند که خب این ظاهر شب یعنی تا طلوع فجر، آن صحیحه‌ای که می‌‌گفت انهما من نافلة اللیل یعنی شبهه بود، ‌کسی فکر می‌‌کرد نافله روز بعد از طلوع آفتاب است؟ خب انهما من نافلة اللیل یعنی نافله تا قبل از طلوع فجر و الا نافله شب تا طلوع شمس گفتن ندارد؛ خب معلوم است که نافله صبح بعد از طلوع شمس نیست.

مرحوم آقای خوئی در ادامه فرمودند ما به نظرمان اگر قبیل طلوع فجر نافله فجر را بخواند اشکال ندارد. دلیلش صحیحه زرارة است: قلت لابی جعفر علیه السلام الرکعتان اللتان قبل الغداة این موضعهما؟ دو رکعت نافله فجر زمانش کی هست؟ فقال علیه السلام قبل طلوع الفجر فاذا طلع الفجر فقد دخل وقت الغداة، هنگام طلوع فجر وقت نماز صبح است. این روایت نه تنها جواز تقدیم نافله صبح را بر طلوع فجر می‌‌فهماند، بلکه افضلیت آن را هم می‌‌فهماند. چون فرمود فاذا طلع الفجر فقد دخل وقت الغداة، موضع نافله فجر قبل از طلوع فجر است.

البته آقای خوئی فرمودند که دو روایت داریم آنها هم صحیحه‌اند، ‌ممکن است استظهار بشود از آنها که افضل نافله فجر هست بعد از اذان صبح. یکی صحیحه عبدالرحمن بن حجاج است:‌ صلهما بعد ما یطلع الفجر، امر کرده نماز نافله فجر را بعد از اذان صبح بخوانید، ‌بعد از طلوع فجر بخوانید. روایت دوم صحیحه یعقوب بن سالم: قال ابوعبدالله علیه السلام صلهما بعد الفجر و اقرأ فیهما فی الاولی قل یا ایها الکافرون و فی الثانیة قل هو الله احد. گفته می‌‌شود صحیحه زراره گفت این موضعهما؟ امام فرمود قبل طلوع الفجر، این دو صحیحه امام فرمود صلهما بعد ما یطلع الفجر، تعارضا تساقطا.

آقای خوئی فرمودند که نه، ما قبول نداریم تعارض و تساقط می‌‌کنند.

البته یک نکته‌ای عرض کنم: بر فرض تعارض و تساقط بکنند، آقای خوئی مشکل ندارد با امر به نافله فجر قبل از اذان صبح به نحو مشروع بودن آن قبل از اذان صبح. چون فرمود صدق می‌‌کند نافلة الفجر اگر قبیل اذان صبح بخوانیم. این تعارض اگر مشکلی ایجاد کند برای افضلیت تقدیم نافله فجر بر اذان صبح مشکل درست می‌‌کند.

مرحوم آقای خوئی فرموده ولی به نظر ما تعارض هم نمی‌کند. اولا کی می‌‌گوید این دو صحیحه راجع به نافله فجر هستند شاید راجع به فریضه صبح هستند. صلهما بعد طلوع الفجر یعنی نماز صبحت را بعد از طلوع فجر بخوان. ضمیر که ذکر نشده که. بله، مرحوم شیخ طوسی و اصحاب حدیث در نوافل این را ذکر کردند، و لکن فهم آنها که برای ما حجت نیست. شاید این دو تا روایت صحیحه ناظر باشند به فریضه. بعد فرموده بر فرض این‌ها در مورد نافله صبح باشند، صحیحه زراره صریح است در افضلیت تقدیم، ‌صریح است در این‌که افضل تقدیم نافله فجر است بر طلوع فجر. خب قرینه می‌‌شود که این دو تا صحیحه را حمل کنیم بر اصل جواز. بگوییم جایز است تاخیر نافله فجر از اذان صبح، اما افضل تقدیم نافله فجر است بر اذان صبح.

تا اینجا انصاف این است که فرمایشات آقای خوئی اشکال دارد. اشکالش را بگوییم تا بعد آخرین مطلب را که مطلب درستی هست عرض کنیم.

یک اشکال فرمایش آقای خوئی این است که نافلة‌ الفجر در کجایش خوابیده که باید مقارن با فجر باشد؟‌ نافله صلات فجر است، صلات‌ فجر یعنی نماز صبح. خب دو رکعت نافله صلات فجر را اسمش را گذاشتند نافلة‌ الفجر. مثل نوافل مغرب، وتیرة العشاء، نوافل الظهر، نوافل العصر؛ این نوافلی که مربوط به فریضه مغرب هستند یا مربوط به فریضه ظهر و عصر هستند، ‌این هم نافله‌ای است که مربوط به فریضه صبح است.

[سؤال: ... جواب:] نافله ظهر یعنی نافله نماز ظهر دیگه. ... اصلا اضافه شده در روایات، این نوافل به نمازهای فریضه. ... ببینید! وقتی می‌‌گویند نافله فجر بیش از این ظهور ندارد یعنی نافله مربوط به نماز صبح. و الا اگر این‌جور است پس قبل از اذان صبح که نافلة‌ الفجر نیست، نافلة السحر است. شما مسامحه عرف که قابل قبول نیست که بگویید نیم ساعت قبل از اذان صبح اگر نافله صبح را بخوانیم صدق می‌‌کند نافلة‌ الفجر. ... نه، ‌آن روایت سدس الباقی که سندش ضعیف است. بحث این است که اگر نافلة‌ الفجر اگر به معنای نافله زمان فجر است خب ظاهرش این است که مقارن حقیقی فجر، ‌نماز نافله فجر را بخوانیم و الا اگر این‌جور است نافلة‌ اللیل، ‌بگذاریم قبل از طلوع آفتاب بخوانیم، این نافلة اللیل است؟ قبل از غروب آفتاب بخوانیم بگوییم نافلة اللیل است؟ قبل از اذان بخوانیم نافلة‌ الظهر را بگوییم نافلة‌ الظهر است؟ ... نافلة الفجر اگر به معنای نافلة فریضة الفجر است که هیچ؛ نافله فریضه فجر است هر کی بخوانی. اگر به معنای نافله‌ای است که زمان این نافله فجر است، خب مسامحه عرف که اعتباری ندارد که ما بگوییم عرف نیم ساعت قبل از اذان صبح هم اگر نافله صبح را بخوانیم به او می‌‌گوید نافلة الفجر؟‌ عرف دقیق هیچوقت به این نمی‌گوید نافلة‌ الفجر.

[سؤال: ... جواب:] عند الزوال یعنی حوالی زوال. اما اگر بگویند صلاة الفجر، صلاة اللیل، صلاة النهار یعنی نماز مقارن با لیل باشد، ‌مقارن با نهار باشد، مقارن با فجر باشد نه قبیل فجر.

و اما این‌که فرمودید که این روایات، صحیحه زراره با این دو صحیحه تعارض ندارند، ‌فرمودید چرا؟ برای این‌که شاید این دو روایت راجع به فریضه صبح باشد، آخه شما را به وجدان‌تان کسی احتمال بدهد امام راجع به فریضه صبح بفرماید: آدم حسابی! صلهما قبل طلوع الفجر؟ آخه کسی توهم می‌‌کند که نماز صبح را قبل از طلوع فجر بخواند تا بیاید امام بفرماید صلهما بعد طلوع الفجر؟

[سؤال: ... جواب:] مگر اهل سنت بعد از فجر کاذب نماز صبح می‌‌خواندند؟ ... حالا اشتباه می‌‌کنند بعضی‌ها فجر کاذب را به فجر صادق بحث دیگری است. اما همه می‌‌گویند طلوع فجر صادق مبدأ نماز صبح است؛ کسی غیر از این نمی‌گوید. صلهما بعد الفجر یعنی إئت بصلاة فریضة الصبح، مگر جای توهم چیز دیگری بود.

اما این‌که ایشان در جواب دوم فرمود جمع عرفی دارد، صلهما بعد الفجر را حمل بر ترخیص می‌‌کنیم ولی صلهما قبل الفجر را حمل می‌‌کنیم بر افضلیت، ‌انصافا این عرفی نیست. امر دارد می‌‌کند به صلات نافله فجر بعد الفجر.

: اگر توهم حظر است، توهم لزوم هم هست. یعنی همان‌طوری که احتمال می‌‌دهد که نافله فجر را قبل از اذان صبح بخواند، بعد از اذان صبح دیگه نخواند، ‌اگر همچون احتمالی را بدهد احتمال این‌که قبل از اذان صبح نشود نافله صبح را بخواند که بیشتر هست.

[سؤال: ... جواب:] نه، این‌طور نیست. عامه نافله فجر را بعد از اذان فجر می‌‌دانند. می‌‌گویند کسی حق ندارد نافله فجر را قبل از اذان صبح بخواند. خب صلهما بعد الفجر بگوییم در مقام ترخیص است؟ چه وجهی دارد؟ مگه توهم حظر فقط هست؟ جهل به وظیفه داشت، نمی‌دانست کی بخواند نافله فجر را؟ همان‌طور که احتمال می‌‌دهد بهتر است قبل از اذان صبح بخواند، ‌احتمال می‌‌دهد اصلا مشروع نباشد قبل از اذان صبح کما علیه العامة.

[سؤال: ... جواب:] بحث در این است: آن صلهما قبله و بعده که می‌‌فرمایید، آن یک روایت دیگری است. بحث در صحیحه زراره است و این صحیحه عبدالرحمن بن حجاج و صحیحه یعقوب بن سالم است. فعلا روایت دیگر را بگذارید کنار. تعارض بین این روایات را با این دو راهی که آقای خوئی مطرح کرد نمی‌شود حل کرد. تعارض بین این‌ها مستقر است.

بله، جواب سوم آقای خوئی جواب خوبی است.

[سؤال: ... جواب:] صلهما بعد الفجر. آخه چرا می‌‌گویید این در مقام توهم حظر است که یعنی طرف فکر می‌‌کرد نمی‌شود نافله فجر را بعد از اذان صبح خواند. کی همچون فکری می‌‌کرد؟ بر عکس است اتفاقا. عامه می‌‌گویند قبل از اذان صبح نمی‌شود نافله فجر را بخوانی، حتما باید بعدش بخوانی و الا در این‌که بعدش مشروع است نافله فجر را خواندن، ‌مگه کسی تردید داشت؟ ... توهم عرفی نبود که ما بیاییم صلهما بعد الفجر را بگوییم در مقام توهم حظر عرفی است.

بهترین جواب، ‌جواب سوم است. جواب سوم چیه؟ جواب سوم این است: آقا! وقتی عامه مشروع نمی‌دانستند نافله فجر قبل از اذان صبح را و لذا حمل می‌‌کنیم این دو تا صحیحه را، ‌صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج و صحیحه یعقوب بن سالم را بر تقیه. می‌‌گوییم امام رعایت تقیه کرده. قرینه بر این تقیه چیه؟ اتفاقا در روایات ما قرینه بر این تقیه هم آمده. روایتی هست از علی بن ابی حمزة که در سندش واقع شده که ما البته با استصحاب وثاقت قبول کردیم روایات علی بن ابی حمزة را. گفتیم شیخ طوسی در عده می‌‌گوید عملت الطائفة بما رواه علی بن ابی حمزة البطائنی. بعد از وقف. چون بحث این است که واقفی بودن مانع از عمل به حدیث نیست اذا کان متحرجا عن الکذب. بعد می‌‌گوید و لذلک عملت الطائفة بما رواه علی بن ابی حمزة بطائنی چون علی بن ابی حمزة بطائنی متحرز از کذب بود. شخص منحرفی بود که در کتاب الغبیة دارد: اصابته فتنة. حالا اصابته فتنة یا حب حطام دنیا، ‌مال دنیا که سی هزار درهم پیشش بود از امام کاظم علیه السلام، دید اگر قبول کند امامت امام رضا را مجبور می‌‌شود سی هزار درهم را به امام رضا بدهد، گفت نه، ‌امام کاظم زنده است، بعد از مدتی بر می‌‌گردد. اول می‌‌گفت هفت ماه بعد بر می‌‌گردد بعد از هفت ماه که بر نگشت امام رضا فرمود فما استبان لکم کذبه؟ حالا معلوم شد دروغ گفتن علی بن ابی حمزة بطائنی. مرحوم شیخ طوسی شهادت داده کان متحرزا عن الکذب.

[سؤال: ... جواب:] راجع به همه این‌ها غیر از عامه گفته متحرزا عن الکذب.

در مقابل ابن فضال گفته کذاب ملعون. خب فما استبان لکم کذبه را هم در کنار این قرار بدهید.

البته توجیه فما استبان لکم کذبه این است که این حرفش دروغ است که می‌‌گوید بعد از هفت ماه امام بر می‌‌گردد.

ما گفتیم تعارض می‌‌کند تضعیف ابن فضال با توثیق شیخ طوسی و چون وثوق هست که علی بن ابی حمزة بطائنی زمان امام کاظم علیه السلام حسن ظاهر داشته، ثقه بوده استصحاب می‌‌کنیم بقاء وثاقتش را.

[سؤال: ... جواب:] دیگه کذاب ملعون. ... لااستحل ان اروی عنه. ... بهرحال ما استظهار کردیم بقاء وثاقت علی بن ابی حمزة را.

روایت این است: علی بن ابی حمزة البطائنی عن ابی بصیر: متی اصلی رکعتی الفجر؟ خوب دقت کنید! روایت، ‌روایت جالبی است، ‌متی اصلی رکعتی الفجر‌؟ قال بعد طلوع الفجر، ابی بصیر می‌‌گوید از امام صادق علیه السلام کی نماز نافله فجر را بخوانم؟‌ حضرت فرمود بعد از طلوع فجر، قلت له ان اباجعفر علیه السلام امرنی ان اصلیهما قبل طلوع الفجر، ‌امام باقر علیه السلام به من فرمود نافله صبح را قبل از طلوع فجر بخوان شما به من می‌‌فرمایید بعد از طلوع فجر بخوان، ‌امام چه جوابی داد؟ فرمود یا ابامحمد ان شیعة اتوا ابی مسترشدین فاتاهم بمرّ الحق و اتونی شکاکا فافتیتهم بالتقیة. اصحاب پدرم هنگامی که از پدرم سؤال کردند از زمان نافله فجر، دنبال کشف حق بودند و لذا امام باقر علیه السلام رعایت تقیه نکرد، مر حق را بیان کرد، اما من ابتداء کارم هست، شیعه برای این‌که آزمایش کند، ‌هنوز لیطمئن قلبی نشده که آیا بعد از امام باقر علیه السلام امام بعدی امام صادق علیه السلام است یا مثلا زید بن علی بن الحسین؟ اتونی شکاکا. و لذا می‌‌آمدند آزمایش می‌‌کردند نه فقط پیش امام معصوم، ‌مدعی‌های دیگر را هم آزمایش می‌‌کردند. می‌‌رفتند سراغ زید می‌‌دیدند غیر از جهاد و جنگ مسلحانه چیز دیگری بلد نیست یا زمان امام کاظم علیه السلام چون امام کاظم علیه السلام فرزند سوم امام صادق علیه السلام است، ‌فرزند اول اسماعیل بود که زمان خود امام صادق فوت کرد، اسماعیلیه درست شدند، گفتند اسماعیل زنده است بعدا ظهور خواهد کرد، یک عده‌ای فطحی شدند، عبدالله افطح فرزند دوم امام صادق بود، ‌رفتند سراغ عبدالله افطح او هم زیاد عمر نکرد، ‌حدود هفتاد روز عمر کرد، بعد از او همه برگشتند به امام صادق علیه السلام، ‌حالا یا از فطحی بودن دست برداشتند یا امام صادق را امام هشتم، آنها که می‌‌گویند فطحی‌، باقی بودند بر فطحی بودن، ‌مثل عمار ساباطی، این‌ها کسانی هستند که امام کاظم علیه السلام را امام هشتم می‌‌دانند، ولی یک عده هم فطحی شدند و توبه کردند. وجه توبه‌شان این بود که می‌‌رفتند پیش عبدالله افطح می‌‌دیدند هیچ چیز بلد نیست، آخه این چه امامی هست؟ می‌‌آمدند خدمت امام کاظم علیه السلام می‌‌دیدند نه، بحر علم است. و لذا یکی از ائمه حالا امام صادق علیه السلام بود یا امام کاظم وقتی دید شیعیان را گفت الیّ الیّ‌ و لا الی المرجئة و لا الی القدریة. و لذا امام صادق علیه السلام را آمدند آزمایش کردند. آزمایش که کردند امام صادق درست جواب داد اما با شکل‌بندی تقیه. فرمود بعد از طلوع فجر نماز بخوان چون مشروع است. فرد افضل را نفرمود‌، نه این‌که فرد نامشروع را بیان کرد. تقیه در این امور اسهل است. فرد مشروع را می‌‌گویند.

مثل این‌که الان از شما بپرسند می‌‌روید شهرها، ‌روستاها برای تبلیغ، روزهای اول آن پیرمردهای مسئله‌دآن‌که سال‌های متمادی است مسئله یاد گرفتند، روزهای اول می‌آیند امتحان می‌‌کنند طلبه را و لذا طلبه روز اول اگر بگویند آقا! کسی غسل جمعه را روز جمعه نکرد، از همان شب می‌‌تواند غسل جمعه کند یا بگذارد فردا بعد از طلوع فجر، اگر بیایید فتوی آقای سیستانی را بگویید که از همان اول شب شنبه می‌‌تواند غسل جمعه کند، به همدیگر می‌‌گویند نه، ‌این حاج آقا چیزی بارش نیست. دیگه تا آخر ماه رمضان مبتلا هستید، هر چی بگویید باور نمی‌کنند. و لذا از همان روز اول بگویید بعد از طلوع فجر روز شنبه قضاء غسل جمعه بجا بیاورید. فتوای مشهور را بگویید، ‌درست هم گفتید، جواب، ‌جواب متینی است. در شرائط تقیه و لو تقیه که در این روایت است، ‌تقیه خاصی است نه تقیه خوفیه، تقیه اختباریه، صلهما بعد الفجر. ابوبصیر وقتی که لو داد خودش را، گفت یابن رسول الله!‌ حضرت امام! ما از امام باقر پدر بزگوراتان پرسیدیم فرمود صلهما بعد الفجر، امام فرمود بله، من برای جواب عمومی این‌جور گفتم و الا حق همان است. معنای روایت این است دیگه.

پس صلهما بعد الفجر حمل بر تقیه می‌‌شود. و افضل اتیان به نافله فجر است قبل از طلوع فجر. چون آن روایت این‌جوری گفت: این موضعهما؟ صحیحه زراره می‌‌گوید قلت لابی جعفر علیه السلام، امام باقر علیه السلام...

[سؤال: ... جواب:] خود فافتاهم بمر الحق هم همین است دیگه. یعنی فضیلت داشت نافله فجر قبل از طلوع فجر، زراره هم از امام باقر علیه السلام که سؤال کرد این موضعهما؟ امام فرمود قبل طلوع الفجر فاذا طلع الفجر فقد دخل وقت الغداة، ‌خب این معنایش افضل بودن نافله فجر است قبل از اذان صبح. ... محتمل نیست که نافله فجر بعد از اذان صبح قضاء باشد. روایاتی داریم که می‌‌گوید قبل از طلوع حمره مشرقیه می‌‌شود نافله فجر را خواند. بحث این است که قبل از طلوع فجر افضل است نافله صبح.

بحث در این است که قبل از طلوع فجر، ‌عرفا چقدر صادق است؟

روایاتی داریم، روایات صحیحه هم داریم: صحیحه محمد بن مسلم، صحیحه ابن ابی یعفور: صل رکعتی الفجر قبل الفجر و بعده و عنده. روایات صحیحه هست. خب صل رکعتی الفجر قبل الفجر و بعده و عنده یا همان این موضعهما؟ قال قبل طلوع الفجر، قبل طلوع الفجر از اول شب را می‌‌گیرد؟ اگر گفتند قبل از طلوع فجر بلند شو سحری بخور، یعنی ساعت ده شب سحری بخور؟ بعید نیست همان‌طور که مرحوم آقای خوئی دارند، برخی از بزرگان دیگر هم دارند‌، انصراف دارد قبل طلوع الفجر به قبل قریب نه قبل بعید؛ شامل فصل طویل نمی‌شود.

[سؤال: ... جواب:] اگر زمانی را که مشخص کنند بگویند شما نافله فجر را قبل از طلوع فجر یا مقارن با طلوع فجر یا بعد از طلوع فجر بخوان، این اطلاق ندارد به قبل بعید. و الا، مثال بزنم برای‌تان: یکی می‌آید از امام سؤال می‌‌کند که من أتیت أهلی قبل أن أطوف طواف النساء یا أتیت اهلی قبل ان أفرغ من السعی یا قبل ان أقصّر، ‌أتیت اهلی قبل ان اقصر، خب این یعنی هیچ کاری نکرده بود، محرم شده بود، آمده بود مکه، نه طواف نه سعی نه تقصیر، او هم می‌‌گوید اتیت اهلی قبل ان اقصر این عرفی است؟ خب این عرفی نیست. قبل ان اقصر یعنی کارهای دیگر را کرد فقط مانده بود تقصیر، ‌کارهای دیگر را کرده بود، فقط مانده بود طواف نساء، می‌‌گوید قبل ان اطوف طواف النساء.

[سؤال: ... جواب:] بیش از این ظهور ندارد. ما نمی‌خواهیم ظهور دارد در تقیید به قبل قریب. بیش از این ظهور ندارد؛ شامل قبل بعید نمی‌شود.

و لذا ما دلیلی بر مشروعیت نافله فجر قبل بعید نداریم. همانی که گفتند، نیم ساعت قبل از اذان صبح اگر نافله صبح را بخواند، و لو نماز شب نخواند، ‌عرفا صدق می‌‌کند که صلهما قبل طلوع الفجر، ‌صل رکعتی الفجر قبل الفجر، این مقدار صادق است.

این راجع به مبدأ نافله فجر.

[سؤال: ... جواب:] ببینید! دیگه ما حرف هایمان با هم تناقض ندارد. ما آنجا که گفتیم نوافل المغرب بعد المغرب گفتیم ظهوری بیش از ترتیب ندارد. می‌‌خواهد بگوید نوافل مغرب بر خلاف نوافل ظهر و عصر که قبل از ظهر و عصر است، نوافل مغرب بعد از مغرب است. ظهور ندارد در تحدید زمانی. اما این روایت ظهور دارد در تحدید زمانی. می‌‌گوید صل رکعتی الفجر در زمان قبل از فجر و عند الفجر و بعد الفجر. این تحدید زمانی است. و لذا در اینجا ما می‌‌گوییم بیش از قبل قریب ظهور ندارد. و لذا دلیلی بر مشروعیت نافله فجر در قبل بعید اذان صبح نداریم. ما اطلاقی هم در ادله نداریم تا به او رجوع کنیم، بخواهیم بگوییم وقت نافله فجر از ابتداء شب است.

اما راجع به منتهای وقت نافله فجر، ‌صحیحه علی بن یقطین تکلیف را مشخص کرده: سألت اباالحسن علیه السلام عن الرجل لایصلی الغداة حتی یصفر و تظهر الحمرة و لم یرکع رکعتی الفجر أیرکعهما أو یؤخرهما؟ قال یؤخرهما. راوی می‌‌گوید شخصی حمره مشرقیه ظاهر شد، حدودا یک ربع، ‌بیست دقیقه قبل از طلوع آفتاب، این آقا نافله فجر را نخوانده، آیا نافله فجر را بخواند یا نماز صبح را بخواند، نافله فجر را بعد قضاء کند یا بعد از نماز صبح بخواند؟ قال یؤخرهما، امر کرده است که تاخیر بیندازد نافله فجر را بعد از طلوع حمره مشرقیه.

آقای خوئی فرموده از این روایت استفاده می‌‌شود که ارتکاز سائل این بوده که تا طلوع حمره مشرقیه وقت نافله فجر هست؛ سؤال کرده از بعد از طلوع حمره مشرقیه. گفته طلوع حمره مشرقیه شد نافله فجر را نخوانده، چه کار بکند؟ اما اگر طلوع حمره مشرقیه نشده بود، ‌ظاهر این روایت این است که ارتکاز سائل بر مشروعیت نافله فجر بوده.

ما این مطلب را قبول نداریم. اگر دو رکعت مانده به طلوع حمره مشرقیه، ‌نافله فجر را بخوانی، ‌نماز صبحت می‌‌شود بعد از طلوع حمره مشرقیه، می‌‌رسی نافله فجر را بخوانی قبل از طلوع حمره مشرقیه اما فریضه صبحت می‌‌شود بعد از طلوع حمره مشرقیه. از روایت استفاده می‌‌شود اینجا هم مشروع است نافله صبح؟ کی از روایت این استفاده می‌‌شود. راوی آمده گفت آقا! شخصی از خواب بیدار شد، طلوع حمره مشرقیه شده بود نافله صبح را نخوانده بود، ‌چه کار بکند؟ حالا اگر موقعی بیدار می‌‌شد که دو رکعت مانده بود به طلوع حمره مشرقیه، امام شاید راجع به او هم می‌‌فرمود که چون نماز صبح را نباید تاخیر بیندازید و لو به لحاظ وقت فضیلت از طلوع حمره مشرقیه و لذا دیگه نافله صبح را نخوان. شاید امام این را می‌‌فرمود. چه می‌‌دانیم. شاید دو رکعت قبل از طلوع حمره مشرقیه هم دیگه فرصت برای نافله فجر باقی نگذارد.

ما از ارتکاز سائل نمی‌توانیم استفاده کنیم که دو رکعت قبل از طلوع حمره مشرقیه نافله فجر مشروع است. ولی روایاتی داریم تحدید می‌‌کند وقت فضیلت نماز صبح را به طلوع حمره مشرقیه. از او استفاده می‌‌کنیم به ضمیمه آنچه که در نافله ظهر و عصر بود‌: و لاتطوع فی وقت الفریضة و لو حمل بر کراهت شد، اما در روایات گفت نافله ظهر را نخوان، ‌ظهر را بخوان حتی لایکون تطوع فی وقت الفریضة. خب استفاده می‌‌شود که به مناسبت حکم و موضوع که اگر دو رکعت مانده به طلوع حمره مشرقیه نافله صبح را نخواند، ‌نماز صبح را بخواند.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله فردا یک نکته‌ای باقی مانده وارد بحث وقت نماز شب می‌‌شویم که محل ابتلاء علماء اعلام هست. ان‌شاءالله این را دنبال می‌‌کنیم.